

مرگ در گمنامی



احسان زیورعالم

خبرنگار گروه فرهنگ

پس از برگزاری ۴۲ دوره از جشنواره فیلم فجر، آنچه بیش از همه از یادها می‌رود بی‌گمان تاریخ است. جوایزی که در هر اختتامیه تقسیم شده است، در بستر زمان به دست فراموشی سپرده شده و این فراموشی با نیست شدن نام بسیاری در این مسیر همسو بوده است. در جنگ با زمان ، اگرچه عده‌ای معدود چنان خوش اقبال بوده‌اند که نامشان به‌نحوی‌مهر تأییدی بر مشروعیت ادوار جشنواره باشند؛ اما واقعیت آن است اکثریت رو به گمنامی نهاده‌اند. گمنامی که بخش مهمی از آن معطوف به نادیده‌گیری نشریات در طول همین تاریخ چهار دهه‌ای است. اگرچه هنوز دسترسی به نشریات گذشته ساده و سهل نیست و برای یافتن یک مصاحبه یا یک گزارش در حوزه هنر و فرهنگ، نیاز است هنوز به صورت آنالوگ به جست‌وجو پرداخت؛ با این حال این ایده در من شکل گرفت چه بر سرندگان ادوار مختلف جشنواره فجر آمده است. نقطه آغازین این جست‌وجو به‌همین ۱۳۶۱ بازمی‌گردد که قرار بود پس از یک دوره دوساله برآشفنگی و نزاع میان سینماداران، سینماگران و سینماگذاران خاتمه دهد، خاتمه‌ای که امروز می‌توان آن را با دیدی انتقادی ارزیابی کرد که به چه میزان موفق بوده و به چه میزان آسیب‌زا. موفقیتی که گاه در مقام تداوم و حضور چند هنرمند تعریف می‌شود و آسیب‌زایی که می‌توان در محذوف شدن و انحلال در تاریخ گروهی دیگر از هنرمندان جست‌وجو کرد. لذا در یک مسیر هشت قسمتی سعی بر آن دارم چند هنرمند گم‌شده در دل تاریخ جشنواره فجر را احیا کنم.

■ ■ ■

در نخستین جشنواره فیلم فجر که به دو بخش حرفه‌ای و آماتور تقسیم شده بود، مفهوم جایزه‌دان شاید برای نخستین‌بار در ایران منهدم شد. تصمیم بر آن گرفته‌شد تا به حرفه‌ای‌هایی که شامل اسامی شاخصی چون کیمیایی، بیضایی، میرلوحی و نوری در کنار چند اسم مهم در آینده می‌شد، هیچ جایزه‌ای اهدا نشود و به جوانان بخش آماتوری که چهره شاخصشان در آینده کسی نبود جز جواد شمقدری، دیلیم افتخاری اهدا شود تا نشانی شود از حضورشان از اولین تجربه حرفه‌ای. با این حال، دوره نخست برای یک نفر چندان آمد نداشت، با آنکه فیلمش پس از جشنواره عملاً به موفق‌ترین اثر بدل می‌شود. فریبرز صالح تحصیل کرده سینما بود و سازنده یکی از عجیب‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران؛ «دام نامرئی» (۱۳۵۷). فیلم مستندی داستانی بود درباره عملیات ضد جاسوسی ساواک در به تله انداختن سرلشکر احمد مقربی، جاسوس شوروی که در آن صالح موفق به خلق تصویری واکرا و پر جزئیات از این عملیات شده بود. فیلم که به نظر برای واحد آموزش ساواک تولید شده، بدون حضور بازیگران شاخص ساخته شده بود. با وجود آنکه پیش از فیلمسازی در حوزه دوبله فعالیت داشت، تصمیم گرفته بود از دوستان دولپوش برای ایفای نقش‌ها استفاده کند تا در آینده شاید از هر مشکلی ممانعت کرده باشد. فیلم هیچ‌گاه رنگ ارکان یا پخش از طریق تلویزیون به خود ندید و برحسب گسترش فضای مجازی به همت فیلم‌دوستان خارج از کشور منتشر شد تا پس از یک فاصله چهار دهه‌ای ارزش‌های سینمایی فیلم دیده‌شود. بداقبالی صالح اما به «دام نامرئی» خلاصه نمی‌شد. مصاحبه‌ای از او در شماره چهارم مجله فیلم به تاریخ مرداد ۱۳۶۲ موجود است که می‌توان آن را سرخنی برای کشف وجوه شخصیتی صالح و ابعاد اولین بلاکباستر پس از انقلاب یعنی «سفیر» بردازیم. پیش از ورود به مصاحبه تاریخ‌رای باید یادآور شد که صالح با آنکه فیلمی ساخته بود که به لحاظ تبلیغاتی، فرهنگی و سیاسی کمک بزرگی برای حکومت اسلامی می‌نواد در ایران کرده بود و موفق به جلب‌نظر جمع عظیمی از شیعیان آن روز کرده بود؛ اما «سفیر» نقطه ترقی برای صالح بود تا او تنها موفق به کارگردانی یک فیلم، یعنی «مرگ پلنگ» (۱۳۶۸) آن‌هم با یک فاصله زیاد شد. با این حال، گفت‌وگوی صالح نشان می‌دهد او آدم آگاهی به‌زمانه خود بود شاید همین آگاهی موجب حذف او از نظام فرهنگی زمانه شد. مشخص نیست مصاحبه با او را چه کسی انجام داده یا چه کسی تنظیم کرده است؛ اما همه چیز به نوعی تحریک‌گر مدیران وقت می‌آید. تیترو مصاحبه «سینمای ایران باید مدتی تعطیل شود» است که از دل گفت‌وگوی بیرون کشیده شده و نشانه‌ای است از نگرش انتقادی صالح به وضعیت سینمای زمانه. مصاحبه‌گر هم به نظر به دنبال چنین چالش‌پوی بوده است، به‌خصوص آنکه در همان آغاز کار می‌رسد با توجه به سیاست‌های میهم در ایران نسبت به سینما، آیا سینمای اسلامی شدنی است و صالح در اول کلام می‌گوید:

«ما هیچ‌گاه سینمای اسلامی نداشته‌ایم. تفکرات و اندیشه‌های اسلامی وجود دارد که می‌تواند به تصویر درآید و حامل این اندیشه‌ها باشد. سینما مرزی ندارد و هر اندیشه‌ای – از جمله اسلام – می‌تواند در آن بگنجد.» شاید برای کسانی که کتاب «آفتاب و آینه» محمدصادق کوشکی را خوانده باشند، به‌خوبی آشکار باشد که موضوع «سینمای اسلامی» برای بخشی از جامعه واجد اهمیت بوده و هست. جایی که تصور بر این است می‌توان با باقیه اسلامی، نظامی برای گسترش نوعی سینمای با صفت اسلامی فراهم کرد. نقد‌های صالح به سینمای ایران در حدفاصل ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲ جالب توجه است. او می‌گوید فیلم‌هایی که در این بازه ساخته شده‌اند «فقر مان» هستند، یکی از ژانر‌های موردعلاقه عوام در مجلات که طی آن داستانی بر مبنای چند عکس و چند دیالوگ، پسان داستان‌های مصور، قصه‌ای عاشقانه یا جنایی روایت می‌شود. نقد صالح به فیلم‌های ایرانی با تمثیل کردنششان به فتورمان، اشاره به آن دارد که کارگردانان ایرانی صرفاً چند سکانس در دست دارند که با چسباندن‌شان کنار هم چیزی به اسم سینما خلق می‌کنند که از دید صالح «مقداری عکس و حرف که سینمای نیست.» صالح چنین آسیمی را محصول نگرش تبلیغاتی می‌دانست که محصول طبیعی جهان پس از انقلاب است و خودش هم اذعان می‌کند که نگاه منفی‌اش به شرایط را به مسئولان دولتی حوزه سینما انتقال داده است.

برای سازنده اولین بلاکباستر سینمای پس از انقلاب، شرایط اما چندان مناسب نبود. با اینکه هنوز ساختار منسجمی با حضور مهدی کلهفر و بلافاصله تیم‌بهبشتی و انوار، شکل نگرفته بود؛ اما برای صالح چشم‌انداز سینمای ایران گویا روشن بود. او در بیان آنکه و گرفته‌اش در مقام یک هنرمند چیست، می‌گوید: «بر این واقعیت آگاهم که بسیاری فیلمنامه‌ها نوشته می‌شود که پذیرفته نمی‌شود یا پس از حذف و تغییراتی آن را تصویب می‌کنند. فیلمی براساس یک فیلمنامه تصویب شده ساخته می‌شود که اجازه نمایش نمی‌گیرد و فیلمساز در این رفت‌وآمدها و حذف و تغییر‌ها، فرسوده و خسته می‌شود؛ اما معتقدم که در همین شرایط سخت هم نباید قهر کرد و عقب نشست، چون به نظر من، از نوا و بیبکاری، فیلمساز را بیشتر از شرایط دشوار فرسوده می‌کند.»

این بخش از گفت‌وگوی صالح عجیب و گیج‌کننده است. در حالی که از مشکلات ناشی از سانسور می‌گوید، از عمق وجودش می‌گوید در قبال چنین مشکلاتی حاضر نیست اعصاب‌نشین کند و به از نوا و دوری از فیلمسازی نمی‌اندیشد. چنین ترکیبی زمانی اعجاب‌آور می‌شود که صالح از قضا وارد یک انزوا می‌عمیق شد. او حتی جایی پیشنهاد می‌دهد برای بهبود وضعیت بهتر است وزارت ارشاد برای مدتی سینما را تعطیل کند تا «خطوط و شیوه‌های عملی آن را به‌طور مشخص و روشن تدوین کند؛ اما باز به نظر می‌رسد آنکه دچار تعطیلی می‌شود فریبرز صالح است. آذر ۱۳۹۴، پس از یک ۳۲ ساله از آن مصاحبه، مجله فیلم بار دیگر به سراغ

فریبرز صالح می‌رود. او که حالا پیرمردی ۷۱ ساله شده است، در برابر هوشنگ گلمکانی می‌نشیند تا درباره وضعیت کنونی خود بگوید. مصاحبه‌ای که با عنوان «می‌خواستند ساختیم، نخواستند نساختیم» در عنوان همانند سه دهه پیش‌گرنده و تند است و با نهان کردن فاعل در قالب ضمیر جمع غایب، پیامی سیاسی با خواننده‌اش ارائه می‌دهد؛ پیامی که در ادامه آشکار می‌شود. مصاحبه اما رمز و راز مصاحبه سه دهه پیش را هم آشکار می‌کند. گلمکانی اعلام می‌کند این اولین بار است صالح به دفتر مجله فیلم آمده است و صالح به مصاحبه پیشین اشاره می‌کند تا گلمکانی گوشه‌ای از تاریخ مجله فیلم را آشکار کند که سه شماره نخست مجله -که هدفش بیشتر معرفی فیلم‌های شبکه خانگی وقت بوده است -در دفتر‌های دیگر آماده شده است و مصاحبه نخست، در تک‌اتاق اجاره‌ای در خیابان ویلا صورت گرفته است. سپس به توصیف آن روز می‌پردازد تا در بایم مصاحبه‌کننده آن روز هم گلمکانی بوده است. صالح بلافاصله با یادآوری آن روز می‌گوید «من بعد از آن مصاحبه مقداری از شما آزرده شدم» که با تعجب گلمکانی همراه می‌شود. به شکل عجیبی دلخوری ریغی به مصاحبه ندارد؛ بلکه به عدم تداوم نقد و بررسی فیلم «سفیر» پس از موفقیت تجاری آن باز می‌گردد. جدال میان مصاحبه‌کننده و کارگردان بازنشسته آشکارگر خیلی از مسائل است. برای مثال گلمکانی می‌گوید «سفیر» یک فیلم رسمی بود و از این رو منتقدان به آن روی خوش نشان نداده‌اند که به نظر می‌رسد منظور از رسمی، منبع مالی آن باشد که از یکی از بنیادهای حکومتی نوظهور پس از انقلاب تأمین شده بود و جنبه تبلیغاتی برای دستگاه حاکمیتی داشته است؛ اما صالح این گزاره را رد می‌کند و می‌گوید فیلمش تلاشی بود برای آشکار کردن قابلیت‌های سینما و از قضا مورد وفاق تک‌تک اعضای حاکمیت هم نبوده است، چنانچه «پیش از نمایش فیلم عده‌ای با آن مخالفت کردند که داشت باعث دردسر هم می‌شد و ممکن بود فیلم برای همیشه بایگانی شود.»

جدال به درخواست گلمکانی خاتمه می‌یابد و از صالح، کارگردانی که در سه دهه تنها موفق به ساخت یک فیلم شده بود، پرسیده می‌شود آیا هنوز معتقد است آن ایده تعطیلی سینما در ابتدای انقلاب درست بوده است و او به صراحت می‌گوید عملی ششدنش بی‌شک اوضاع را بهتر می‌کرد؛ چراکه رویه ارشاد موجب شده است هر کسی بدون داشتن دانش سینمایی کارگردان شود. لذا در این وضعیت نامطلوب برای صالح، چرا او دیگر فیلم نساخت. قصد دارم از دل این مصاحبه دلایل متفاوت این رویداد را بیابم. در اولین گام باید به نوعی غرور صالح نسبت به سینمای ایران اشاره کرد، جایی که او در پاسخ به همین پرسش عدم فیلمسازی می‌گوید: «همه می‌دانند که من می‌توانم فیلم بسازم. حالا دیگر باید از من دعوت به کار کنند.» از این گفته چنین استنباط می‌شود که صالح توقع آن داشته پس از موفقیت «سفیر» و البته بازن بودن دست دولت در سینما برای سرمایه‌گذاری، این



دولت یا شرکت‌های فیلمسازی بودند که به او رجوع نکرده‌اند.

چند خط آن‌سوتر صالح خاطره‌ای از ساخت فیلمی درباره واقعه مسجد گوهرشاد در ۱۳۱۴ می‌گوید که از قضا مدیران وقت به او رجوع کرده‌اند. به گفته او، محمد هاشمی، مدیر وقت صداوسیمابه او وعده می‌دهد با همراهی آستان قدس رضوی، فضا برای یک بلاکباستر در فضای مسجد گوهرشاد را برای او فراهم کند و همین موضوع موجب می‌شود صالح فیلمنامه اثر تازه‌را به همراه بهروز خوش‌رزم و محمد لاری بنویسد؛ اما با باز شدن یک اسم تکراری، همه چیز به محاق می‌رود. صالح با یادآوری مدیریت وقت بهروز افخمی در سمت مدیر گروه فیلم و سریال، مدعی می‌شود او فیلمنامه‌را از او می‌گیرد، آن را دست به‌دست می‌کند تا در نهایت فیلمنامه کم‌دگور می‌شود. چند سال بعد فیلمنامه پیدا می‌شود و شبکه دو از صالح دعوت می‌کند تا آن را ببسازد؛ اما این اتفاق هیچ‌گاه رخ نمی‌دهد. نکته جالب‌توجه آن است که در آن زمان صالح، کارمند تلویزیون بوده است و اشاره می‌کند طرحی ارائه می‌دهد مبنی بر ساخت یک سریال سیزده قسمتی، با حضور سیزده کارگردان؛ «اما سر همین سریال من را از تلویزیون بیرون کردند». اخراج صالح از صداوسیمما گویا به ساخت «سفیر» بازمی‌گردد که برای او دردسرساز می‌شود. صالح می‌گوید بعد از اولین فیلم سینمایی‌اش «با اینکه بسیار تلاش می‌کردم، کار کنم، آن‌قدر کارشکمی می‌شد که هیچ اتفاقی نمی‌افتاد و من در اصل به‌خاطر کم‌کاری اخراج شدم!» او درباره سریال «شیخ مفید» هم از اخراج شدن می‌گوید که طبق گزارش هوشناسی به سبب بازانی بودن، فیلمبرداری را تعطیل می‌کند؛ اما «فردا صبح تهیه‌کننده با من تماس گرفت و گفت چرا نیامدی سسکار؟ همه بازیگران گرم شده‌اند و حاضرند. بحث بالا گرفت و من کنار گذاشته شدم.» سریال بعدها توسط سرویس مقدم که آن روزها دستیار صالح بود کامل می‌شود. جالب است بدانید سریال به سبب کیفیت پایین انبار می‌شود؛ اما در نهایت با دعوت از صالح برای تدوین مجدد، امکان پخشش پدید آمد و البته از راش‌های اضافی بخش نخست زندگی یعنی کودکی شیخ مفید، مبنی سریالی برای برنامه کودک ساخته می‌شود. او اشاره‌ای هم می‌کند به عقد قرارداد او برای ساخت «روز واقعه» از سوی فراهی که در میانه راه فیلمنامه را به شخص دیگری واگذار می‌کنند و حضورش منتفی می‌شود. فریبرز صالح دو ماه پس از انتشار این مصاحبه بر اثر آلودگی هوا و تنگی نفس در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۴ در بیمارستان پارس درمی‌گذرد. او با کارنامه‌ای بسیار کوتاه برای کارگردانی با چهار دهه امکان فیلمسازی، جهان فانیان را وداع می‌گوید. کم‌کاری او را شاید بتوان به چند عبارت خلاصه کرد: وسواس در کار، توقع از حمایت‌دولت به سبب جایگاه مد نظر هنرمند، داشتن مخالفتی در حوزه کاری پس از موفقیت زود هنگام و ساختار نه‌چندان سالم در حوزه فیلمسازی که صالح خود منتقد آن بود. مرگ در گمنامی شاید شایسته صالح نبود؛ اما یکی در میان صدها هنرمندی باشد که هستی روی خوش خود را به او نشان نداده است.



شنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۳



شماره ۴۳۴۳



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANDAILY



آگهی مزایده عمومی

دستگاه مزایده‌گذار: دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول

موضوع مزایده: فروش ۵ دستگاه خودرو پروه ۴۰۵

مهلت مراجعه جهت بازدید و دریافت اسناد مزایده: از تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۳ لغایت ۱۴۰۳/۱۱/۲۷ به مدت ۱۰ روز کاری

محل دریافت اسناد مزایده: دزفول، کوی آزادگان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول، ساختمان اداری، دفتر تدارکات واحد یا به آدرس اینترنتی dezful.iau.ir (قسمت مزایده/مناقصه) مراجعه نمایید.

مهلت ارائه پاکات: تا ساعت ۱۴:۵۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۷

محل تحویل پاکات: دزفول، کوی آزادگان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول، ساختمان اداری، دفتر حراست واحد

شرایط مزایده:

- شرکت در مزایده به منزله پذیرفتن اختیارات و تکالیف دستگاه مزایده‌گذار و کلیه شرایط آیین‌نامه معاملات دانشگاه آزاد اسلامی می‌باشد.
- دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادات مختار می‌باشد.
- پاکت‌های خارج از موعد مقرر به هیچ‌عنوان تحویل گرفته نخواهد شد.
- به پیشنهادهای مشروط، مبهم، ناقص، دارای خط‌خوردگی و فاقد تضمین ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- متقاضیان واجد شرایط (اعم از حقیقی یا حقوقی) می‌بایست بابت تضمین شرکت در مزایده به ازای هر خودرو مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال به شماره حساب ۰۲۱۷۱۰۶۲۳۰۰۰۵ نزد بانک ملی شعبه دانشگاه آزاد اسلامی دزفول واریز و اصل فیش واریزی را در زمان تحویل پاکات به تدارکات واحد تحویل نمایند.
- چنانچه برنده مزایده حاضر به انعقاد قرارداد نشود، سپرده ایشان به نفع دانشگاه ضبط خواهد شد.
- پرداخت هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.

شماره تماس: ۰۶۱۴۲۴۲۲۹۰۱

آگهی مزایده عمومی

دستگاه مزایده‌گذار: دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول

موضوع مزایده: فروش ضیاعات (آهن‌آلات، پلاستیک، کاغذ)

مهلت مراجعه جهت بازدید و دریافت اسناد مزایده: از تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۳ لغایت ۱۴۰۳/۱۱/۲۷ به مدت ۱۰ روز کاری

محل دریافت اسناد مزایده: دزفول، کوی آزادگان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول، ساختمان اداری، دفتر تدارکات واحد یا به آدرس اینترنتی dezful.iau.ir (قسمت مزایده/مناقصه) مراجعه نمایید.

مهلت ارائه پاکات: تا ساعت ۱۴:۵۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۷

محل تحویل پاکات: دزفول، کوی آزادگان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول، ساختمان اداری، دفتر حراست واحد

شرایط مزایده:

- شرکت در مزایده به منزله پذیرفتن اختیارات و تکالیف دستگاه مزایده‌گذار و کلیه شرایط آیین‌نامه معاملات دانشگاه آزاد اسلامی می‌باشد.
- دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادات مختار می‌باشد.
- پاکت‌های خارج از موعد مقرر به هیچ‌عنوان تحویل گرفته نخواهد شد.
- به پیشنهادهای مشروط، مبهم، ناقص، دارای خط‌خوردگی و فاقد تضمین ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- متقاضیان واجد شرایط (اعم از حقیقی یا حقوقی) می‌بایست بابت تضمین شرکت در مزایده به ازای هر پاکت مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال به شماره حساب ۰۲۱۷۱۰۶۲۳۰۰۰۵ نزد بانک ملی شعبه دانشگاه آزاد اسلامی دزفول واریز و اصل فیش واریزی را در زمان تحویل پاکات به تدارکات واحد تحویل نمایند.
- چنانچه برنده مزایده حاضر به انعقاد قرارداد نشود، سپرده ایشان به نفع دانشگاه ضبط خواهد شد.
- پرداخت هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.

شماره تماس: ۰۶۱۴۲۴۲۲۹۰۱

آگهی مزایده عمومی

دستگاه مزایده‌گذار: دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول

موضوع مزایده: اجاره دو باب فضای انتشارات دانشجویی فاقد تجهیزات

برودتی و تکثیر در محل دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول

مهلت مراجعه جهت بازدید و دریافت اسناد مزایده: از تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۳ لغایت ۱۴۰۳/۱۱/۲۷ به مدت ۱۰ روز کاری

محل دریافت اسناد مزایده: دزفول، کوی آزادگان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول، ساختمان اداری، دفتر تدارکات واحد یا به آدرس اینترنتی dezful.iau.ir (قسمت مزایده/مناقصه) مراجعه نمایید.

مهلت ارائه پاکات: تا ساعت ۱۴:۵۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۷

محل تحویل پاکات: دزفول، کوی آزادگان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول، ساختمان اداری، دفتر حراست واحد

شرایط مزایده:

- شرکت در مزایده به منزله پذیرفتن اختیارات و تکالیف دستگاه مزایده‌گذار و کلیه شرایط آیین‌نامه معاملات دانشگاه آزاد اسلامی می‌باشد.
- دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادات مختار می‌باشد.
- پاکت‌های خارج از موعد مقرر به هیچ‌عنوان تحویل گرفته نخواهد شد.
- به پیشنهادهای مشروط، مبهم، ناقص، دارای خط‌خوردگی و فاقد تضمین ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- متقاضیان واجد شرایط (اعم از حقیقی یا حقوقی) می‌بایست بابت تضمین شرکت در مزایده مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال به شماره حساب ۰۲۱۷۱۰۶۲۳۰۰۰۵ نزد بانک ملی شعبه دانشگاه آزاد اسلامی دزفول واریز و اصل فیش واریزی را در زمان تحویل پاکات به تدارکات واحد تحویل نمایند.
- چنانچه برنده مزایده حاضر به انعقاد قرارداد نشود، سپرده ایشان به نفع دانشگاه ضبط خواهد شد.
- پرداخت هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.

شماره تماس: ۰۶۱۴۲۴۲۲۹۰۱

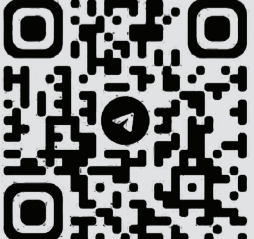
مجری انحصاری تبلیغات دانشگاه آزاد اسلامی

کانون تبلیغاتی سایبر جوان

۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹

مدرسه عالی مهارتی رسانه‌ای فرهنگستان

۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵



Farhikhteghan_school